

# روح اعتماد

المؤمن اصلب من الجبل الجبل  
 يستقل منه والمؤمن لا يستقل من دینه شیء  
 (امام محمد باقر علیہ السلام)  
 مؤمن از کوهها سخت تر است، سنگها درم  
 شکسته میشود ولی دین مؤمن کاهش نمی یابد

واقعیّت زندگی  
 اساسی ترین درس



## واقعیّت زندگی

بدون تردید افراد اجتماع همه برای زندگی تلاش می کنند؛ همه میخواهند یک زندگی خوب نصیب آنان شود، ولی ناگفته پیداست که میباید شی در درجه اول، واقعیت زندگی شناخته شود تا بعد از آن زندگی چیست؟ بجای تصور و تخیل سعی شود حقیقت زندگی آشکار گردد. تا چونندگان آن بتوانند آنرا بدست آورند، یکی از عوامل موفقیّت در میدان های جنگی مرهون اطلاعات منسقه ای، و آشنا بودن بر موزجنگ و گریز است، بسیاری از شکستها معلول آشنا نبودن به تاکتیکهای جنگی است.

بدون تردید زندگی بکنوخی، پارز است، در تمام دوران عمر آدمی با مشکلات فراوانی از قبیل فقر، بیماری، شکست و عقب ماندگی مبارزه میکند، بنا بر این شرط اساسی پروزوی در زندگی، مرهون درک مذهب موافق زندگی است؛ باید واقعیّت زندگی را شناخت، تا بتوان بهتر از آن بهره مند گردید. بسیاری از دختران و پسران این آب و خاک حقیقت زندگی را درک نکرده، درباره آن از دریچه تصورات خیال قضاوت میکنند، در نظر این گروه، زندگی چون سرابی بیش نیست لذا باید سعی کرد توسط مریان حاذق و اولیاء عادلان روز، بتدریج واقعیت زندگی برای طبقه جوان تشریح گردد، تا در آینده بتوانند خود را با زندگی انطباق دهند. بسیاری از خودکشی ها و شکستها معلول آشنا نبودن به واقعیّت زندگی است؛ با تصورات شاعرانه قدم بر حلقه زندگی می گذارند، و سعی میکنند با همان افکار خام و ناپخته، چرخهای زندگی را بچرکت در آورند. و حال آنکه با پر خوردن با اولین موجهای طوفان زندگی متزلزل شده، حیات خود را بر آبگان از دست می دهند.

و اهمیت زندگی در لایه‌های کلاسیک ثابت نمی‌شود، بلکه باید با راهنمایی‌های سودمند، جیره واقعی زندگی را برای طبقه جوان تشریح کرد. باید آنها گوشزد کرد که زندگی عبارت از حل مشکلات است، منتحبی در هر دوره زمانی نامایمات بنوع خاصی خود را نمایان می‌سازند، و لذت زندگی وابسته این گره‌گشایی‌هاست افرادی که باین واقعبت توجه ندارند چنین می‌پندارند که اصولاً سختی برای دیگران آفریده شده است و هنگامی که مشکلات زندگی آنان را احاطه می‌کند، خود افراد به بخت و بجزایه قلمداد کرده، از زندگی بیزار میگردند.

و حال آنکه زندگی از تلخ، شیرین هر دو آمیخته شده است، و باید انتظار داشت که آب زندگی همیشه در کام ما شیرین و گوارا باشد، خداوند را حتی را وابسته سختی دانسته، بنماید: **و ان مع العسر يسرا** یعنی راحتی همراه مبارزه با مشکلات بوجود می‌آید.

اولین فائده این شناسائی اینست که هر فری خود را آماده می‌سازد، تا با مشکلات زندگی روبرو شده، بر آنها بیروزگردد، و بجای نفرین کردن به افلاک و چرخ کعبه‌دار و از دست دادن آرامش نیروهای خود را متمرکز می‌سازد، تا به بهترین وضعی مشکلات را بکنی پس از دیگری حل نماید، و شاید خود این کار یعنی حل مشکلات درسهای بسیار آموزنده ای بآدمی می‌آموزد که باین آسانی‌ها نمیتوان آنها را از طریق دیگر آموخت.

یکی از نویسنده‌گان غرب میگوید: من عقیده ندارم که هر فرد لازم است مصیبت بکشد ولی این را میدانم که مصیبت غالباً مفید فائده است، بلکه ضرورت دارد، باین شرط که شخص بدانند چگونه با آن روبرو شود، و این کار را از کارهای آموزنده و اساسی زندگی بدانند.

مطالعه زندگی افراد خود باخته این واقعبت را آشکار می‌سازد که نوعاً مردان پر جستجه در شرائط نامساعدی بوجود آمده، و از ابتدای زندگی با هزاران نوع مشکل روبرو بوده‌اند آنها برای ادامه زندگی خود مجبور میشدند، با مشکلات مبارزه کنند، و خود این مبارزات کم‌کم راه پشرفت، تعالی آنان را هموار می‌ساخته است.

\* \* \*

### اساسی ترین درس

بزرگترین منابهی که در روی زمین وجود دارد، در اثر بهره برداری دچار گمبود، و با زوال می‌گردد، فقط بیکه منبع سرشار است که هر چه از آن بهره برداری شود جز شش آن فراوان تر می‌گردد، و آن منبع بگری انسان است. و هر کسی از این نیروی خداداد بیشتر استفاده کند پایه‌های سر نوشت خود را بنتر می‌تواند استوارتر سازد.

اساسی ترین درس که باید انسان هر چه زودتر آن را در آموزشگاه زندگی، بیاموزد اینست که بخود ایمان داشته باشد، در کاین واقعبت با پیروزی انسان در هر مقام و موقعیتی بر ابراست. در تاریخ می‌توانیم مشاهده کنیم که ناپلئون مشغول جنگ با «اتحادیه کشورهای اروپا» بود؛ در یکی از این جنگها ناپلئون در کناورد خاله لهرنگ اقامت داشت، در برابر اولشکر فراوان رومی و در پشت سرش قوای «روس» قرار داشتند، و در طرف دیگرش لشکریان و اطربشی، او را محاصره کرده بودند. با اینکه ناپلئون در محاصره قوای کشورهای اروپائی قرار داشت، با معاینه احوال خود با خکی نندم، به نیروی خود پیروزی اش ایمان داشت، با کمال آرامش در چادر خود نشست، با ابرو بیس، مکتب می‌کرد.

رابرت اولمان از مردمانی بود که به نیروی انسانی خود بی‌برده بود، شاید تاریخچه زندگی او را با این زندگی باور کنید، ولی خود او با کمال صراحت اعتراف می‌کند که: در سن چهار سالگی در اثر سانحهای چشمانش را برای همیشه از دست داد، و فهمید که دیگر مانند سایرین نمی‌تواند از نیروی باسره استفاده کند. ولی همین حادثه تحول شگرفی از نظر روحی در او بوجود آورد، بجای باس و ناامیدی تصمیم گرفت، از سایر حواس خود تا سر حد امکان استفاده کند، این طرد تفکر، برای او اولین و آموخته ترین درس زندگی بود، او دیگر راه زندگی را آموخته بود، بنزدیج ذام خود را پیش گرفته، بنحویلات خود همه چنان ادامه داد تا سر انجام در فلسفه و برخی از علوم دیگر فارغ التحصیل گردید.

بنابر این شرط اول موفقیت در راه مبارزه زندگی وابسته ایمان داشتن به نیروهای انسانی است، هر کس بیشتر بهود نگاه داشته باشد، پشرفت او قوی تر خواهد بود.

### توجه فرمائید

تقریباً بیکه نسخه‌های شماره‌های اول امسال بکلی تمام شده است از عموم نمایندگان مجترم شهرستانها تقاضا می‌شود اگر از شماره‌های اول و دوم و سوم موجود دارند همورد نیازشان نیست در اولین فرست به دفتر مجله ارسال فرمایند.